



تاریخچه مسجد النبی ص

از آغاز تاسیس

تا سال ۸۷ هجری

احمد محمد صالح

ترجمه و تحقیق: احمد زمانی

مدینه منوره و مسجد النبی - ص -

سال سیزدهم بعثت بود که حدود ۷۵ نفر از انصار در عقبه منی با رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - بیعت نموده^۱ و سپس به مدینه منوره بازگشتند. نزدیک به سه ماه از این قضیه تاریخی گذشته بود که آنان و گروهی دیگر از مهاجران بسیاری از روزها، صبحگاهان به خارج مدینه می آمدند و در انتظار آن حضرت می نشستند، سرانجام روز دوشنبه ۱۸ ربیع الاول فرارسید، طبق معمول بامداد آن روز نیز به خارج مدینه رهسپار شدند و در آنجا تا نزدیکی های ظهر، چشم به راه نشستند اما خبری نشد. تا اینکه ظهر آن روز رسول گرامی اسلام از طریق ذوالحلیفه وارد مدینه شدند و خبر به مردم مدینه رسید، زن و مرد، کوچک و بزرگ در نزدیکی مسجد قبا به استقبال آن حضرت شتافتند، همگی در نهایت خرسندی و

شادمانی به یکدیگر تبریک می‌گفتند و این شعر را با همدیگر می‌خواندند:

طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَيْنَا مِنْ ثَنِيَاتِ الْوُدَاعِ^۳ وَجَبَ الشُّكْرُ عَلَيْنَا مَا دَعَا إِلَيْهِ دَاعِ^۴
در آن هنگام ابوبکر جهت عرض خیرمقدم، خدمت رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - آمده، گفت: مردم مدینه مشتاقانه منتظر قدم شمایند. پیامبر - ص - فرمود در انتظار برادرم علی بن ابی طالب - علیه السلام - هستیم.

آن حضرت ۱۵ روز در قبا توقف کرد تا علی - علیه السلام - به همراه همسرش فاطمه زهرا - سلام الله علیها - به آن حضرت ملحق شدند. در این مدت، مسجد قبا را تأسیس کرد و در ضمن خانه‌های مدینه از بت و بت پرستی پاکسازی گشت،^۵ سپس رسول خدا - ص - سوار بر مرکب عازم ناحیه بالای مدینه منطقه بنوعمر و بن عوف شده و در آنجا مسکن اختیار نمود.^۶ انس بن مالک گوید:

رسول خدا - ص - به همراه بعضی، چهارده شب در آنجا اقامت گزیدند، در این ایام بود که به دنبال گروهی از قبیله بنی‌نجار فرستادند و آنان را به نزد خود فراخواندند آنها هم بلافاصله با شمشیرهای برهنه به اقامتگاه آن حضرت آمده، در خدمتشان حضور یافتند. انس ادامه می‌دهد: رسول خدا - ص - را دیدم سوار بر مرکب و ابوبکر با گروهی از بنی‌نجار در کنارش ایستاده و به سوی قبیله بنی‌نجار حرکت کردند تا به خانه ابویوب انصاری - ره - رسیدند،^۷ حضرت بعد از نزول اجلال این آیه شریفه را خواندند:

«رَبِّ انزَلْنِي مَنزَلًا مَبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ».^۸

ابن اسحاق می‌گوید: رسول خدا - ص - در خانه ابویوب انصاری بود تا مسجد و خانه‌اش ساخته شد و سپس به خانه خود در جوار مسجد منتقل گردید.^۹

کوشش رسول خدا - ص - جهت ساختن مسجدالنبی - ص -

رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - خطاب به گروهی از بنی‌نجار فرمودند: این مکان را به همراه آنچه دارد ارزش یابی و قیمت‌گذاری کنید تا جهت بنای مسجد خریداری شود، بنی‌نجار گفتند: به خدا قسم چیزی نخواهیم گرفت؛ زیرا شما زمین را برای خدا می‌خواهید. در آن زمین نخل خرما، قبر عده‌ای از مشرکین و ساختمان مخروبه‌ای وجود داشت که به همین جهت در اطراف آن دیواری کشیده شده بود. بعد از جلب رضایت قبیله

بنی نجار، پیامبر عظیم الشان دستور داد: درختها را قطع کردند و قبرها را بهمراه ساختمان مخروبه صاف و هموار نمودند، و برای ساختن مسجد آماده ساختند.

سخن نزدیکتر به واقع اینکه: رسول خدا - ص - أسعد بن زراره^{۱۰} را نزد خود خواسته و فرمودند: زمین متصل به مسجدی را که در آن نماز می خوانیم بخريد تا مسجد مناسبی را بنا کنیم. أسعد بن زراره عرض کرد: ای رسول خدا! این سرزمین متعلق به دو یتیم به نام «سهیل» و «سهیل» فرزندان رافع بن عمر و بن نجار، است که مسئولیت و سرپرستی آن دو، به عهده من است و شما می توانید در این زمین مسجد را بنا کنید. رسول خدا - ص - فرمودند: «حتماً باید قیمت زمین را بگیرید». لذا پس از ارزش یابی قیمت زمین را به یتیمان پرداخت نمودند^{۱۱} و سپس آن را تصرف کردند.^{۱۲}

پیامبر گرامی اسلام - ص - به همراه دیگر اصحاب - که در بنا و ساختن مسجد دست اندرکار بودند - ابتدا پایه های مسجد را از سنگ چیده، سپس دیوارهای آن را با خشت های خامی که مسلمانان طبق دستور آن حضرت فراهم کرده بودند، ساختند، ستونهایش را از تنه های درخت خرما قرار داده بودند و قسمتی از سقفش را با شاخه های نخل خرما پوشاندند و بخش زیادی از سقف آن بدون پوشش ماند.^{۱۳}

نورالدین سمهودی نقل می کند که پیامبر اکرم - ص - هنگام ساختن مسجد چنین زمزمه می کرد:

اللهم لاخیر إلا خیر الآخرة فارحم الأنصار و المهاجرة^{۱۴}

و نیز گفته است که امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - با مهاجرین و انصار در کنار رسول خدا - ص - مشغول کار بود و این رجز را می خواند:

لا یستوی من یعمر المساجد یدأب فیها قائماً و قاعد

و من یری عن الغبار حائداً^{۱۵}

وضعیت هندسی ساختمان مسجدالنبی در آن روز بدین صورت بود که: مقدار سه ذراع^{۱۶} از دیوار به وسیله سنگ و بقیه آن با خشت خام بنا گردید، و چنانکه گفته شد: سقف مسجد از شاخه های نخل خرما بود و این شاخه ها بگونه ای به همدیگر چسبیده و در کنار هم چیده شده بود که آفتاب به داخل نفوذ نمی کرد. ولیکن چنان نبود که از نفوذ آب باران جلوگیری کند، لذا بعد از مدتی، وقتی باران باریدن گرفت آب به داخل مسجد چکه کرد، و

برای مسلمانان مشکلاتی را بوجود آورد که بناچار سقف را گلکاری نمودند.

مراغی از ابن نجار نقل می‌کند: از رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - در مورد کیفیت و چگونگی ساختمان مسجد سؤال کردند، فرمود:

«عریشی کعریش موسی، خشیبات، والأمر أعجل من ذلك».

«مسجد من سایبانی همانند سایبان موسی - علیه السلام - است که چوبهایی بهمراه داشت، (او

سپس فرمود): مرگ و اجل با سرعت تمام به سراغ انسان خواهد آمد».^{۱۷}

دورانی از عمر مسجد نگذشته بود که یاران پیامبر اکرم - ص - پیشنهاد کردند مسجد را گسترش دهند و گفتند چنانچه آن حضرت موافق باشند ساختمانی محکم تر بسازند، که رسول خدا - ص - همان جواب را تکرار فرمودند.^{۱۸}

ارتفاع و بلندی دیوار مسجد به اندازه قد یک نفر می‌شد،^{۱۹} هنگامی که خورشید بالا می‌آمد، طول سایه دیوار به اندازه یک ذراع (دو قدم) می‌شد و نماز ظهر توسط مسلمانان اقامه می‌گردید و آنگاه که به دو ذراع می‌رسید نماز عصر می‌خواندند. نماز رسول خدا و مسلمانان به سوی بیت المقدس برگزار می‌شد زیرا از قبله مسجدالنبی از ابتدای تأسیس تا مدت یکسال و اندی به سوی بیت المقدس بود، همانطوری که رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - قبل از هجرت در مکه به سوی بیت المقدس نماز می‌گزارد.

مساحت مسجدالنبی - ص - در اولین مرحله

استاد محمد حسین هیکل می‌نویسد:^{۲۰} مساحت مسجدالنبی در اولین مرحله عبارت است از ۳۵ متر طول و ۳۰ متر عرض که در مجموع چنین می‌شود: $۱۰۵۰ = ۳۵ \times ۳۰$ در این مرحله، بخشی از مسجد جهت سکونت فقرا اختصاص داده شد، آنان مورد توجه رسول خدا - ص - بودند، و مسلمانان دیگر برای آنان غذا می‌آوردند، آنها در وقت نماز اولین صف را تشکیل می‌دادند و در میدان جهاد از پیشتازان بودند. اینان بعد از مدتی به «اصحاب صقه»^{۲۱} معروف شدند.

جایگاه اصحاب صقه تا امروز همچنان باقی است که سادات و اشراف و بزرگان در این مکان می‌نشینند و عبادت می‌کنند.

ندای اذان از مسجدالنبی - ص -

پس از سپری شدن کارهای ساختمانی مسجد، ندای ملکوتی اذان توسط وحی مقرر و اعلام گردید، و وقت نمازها بوسیله اذان معلوم می‌شد.

یعقوبی می‌نویسد: دوران آغاز و صدر اسلام مؤذن مسجدالنبی «بلال حبشی» بود و گاهی نیز «ابن ام مکتوم» اذان می‌گفت، بدین صورت که هرکدام زودتر در نماز حضور پیدا می‌کردند اذان را او و اقامه را دیگری می‌گفت. ۲۲

تغییر و تعیین قبله مسجدالنبی - ص - توسط پیامبر - ص -

سال دوم هجرت - نیمه ماه رجب، بعد از غزوه بدر اولی بود که - خدای سبحان اراده کرد تا قبله گاه مسلمانان را از جانب بیت المقدس به سوی کعبه تغییر دهد. ۲۳ اینجا بود که این آیه را به رسول خدا نازل نمود:

«قد نرى قلب وجهك فى السماء فلنولينك قبلة ترضيها فول وجهك شطر المسجد الحرام، و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره...» ۲۴

«ما صورت تو را که به سوی آسمان نگاه می‌کنی - و در انتظار فرمان ما برای تعیین قبله نهایی هستی - می‌بینیم و اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی باز می‌گردانیم، پس روی خود را به جانب مسجدالحرام کن، و در هرکجا بودید صورت خود را به جانب آن گردانید.»

رسول گرامی اسلام پس از ۱۷ ماه نماز به جانب بیت المقدس، وقتی خواست قبله مسجدالنبی را تغییر دهد به گروهی از اصحاب خود دستور داد در زوایای مسجد بایستند تا جهت قبله را به سوی مسجدالحرام مشخص کند. در این هنگام جبرائیل نازل شد و با قدرت الهی تمام موانعی را که جلو چشم رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - قرار داشت برطرف ساخت، و سپس عرض کرد: ای رسول خدا! قبله را در جای خود قرار ده - پیامبر - ص - با دیدن کعبه معظمه، قبله را در مسجد خود بدان سو تأسیس نمود بطوری که قبله مسجد در مقابل ناودان کعبه واقع شد. آنگاه جبرائیل عرض کرد: درست قبله در جای خود قرار دارد.

بعد از پایان یافتن قبله مسجد، جبرائیل با اذن خداوند - متعال - هرآنچه در مقابل چشم رسول خدا - ص - جهت دیدن کعبه معظمه محو شده بود به جای خود برگرداند.

بدین ترتیب درب جنوبی مسجد بسته شد و قبله و محراب در جای آن قرار گرفت که روبروی ناودان کعبه واقع شده است.^{۲۵}

بازسازی و گسترش مسجد النبی - ص - به دست مبارک رسول خدا - ص -
 ۶ سال از ساختن بنای مسجد النبی گذشت. در سال هفتم هجری غزوه «خیبر» پیش آمد، رسول گرامی اسلام به همراه مسلمانان در نبرد با یهود در قلعه‌های خیبر به پیروزی رسیدند، پس از آن مدینه منوره یکپارچه در اختیار رسول خدا - ص - قرار گرفت و هر روز بر جمعیت مسلمانان افزوده می‌شد و عده‌ای بدانجا هجرت می‌کردند. به همین جهت اصحاب و یاران پیامبر - ص - پیشنهاد بازسازی و توسعه مسجد را نمودند، حضرت با طرح آنان موافقت نمود، که به فرمایش امام صادق - علیه السلام - رسول خدا - ص - در مرتبه دوم، مسجد را توسعه دادند و آن را از ناحیه طول و عرض - هر کدام - به ۱۰۰ ذرع رسانیدند.^{۲۶}
 در این مرحله شکل و چهار چوبه مسجد تغییر کرد؛ یعنی طول هر ضلع به صد متر رسید و بصورت مربع درآمد. و در روایت دیگر آمده است: که به صورت مربعی درآمد که هر ضلع آن ۵۰ متر شد. البته شکل اصلی آن تغییری نکرد، زیرا در مرحله اول که از سنگ و خشت خام و تنه درخت خرما و شاخه‌های آن تشکیل شده بود در مرحله بعد نیز از همین مواد و وسائل استفاده شد، لیکن نحوه چیدن دیوارها تغییر کرد بدین نحو: که خشت‌ها را بصورت جفت درکنار یکدیگر و سپس هر دو را مخالف دوتای دیگر - عمودی و افقی - قرار دادند.^{۲۷}
 مراغی از ابن زبانه نقل می‌کند که: رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - تصمیم بر آن داشت که در قسمت قبله مقداری به مسجد اضافه کند، که با رحلتش، این تصمیم عملی نگردید. وی در استدلال برای سخن خود می‌گوید: زیرا روزی رسول خدا - ص - در محل اقامه نماز خود ایستاده بود که با دست مبارکش اشاره به دیوار سمت قبله نموده و فرمود: «لوزدنا فی مسجدنا» از این جمله چنین برمی‌آید، که حضرت آرزو می‌کرد مسجد را از جانب قبله توسعه دهد.

توسعه مسجد النبی - ص - در سال شانزدهم هجری

عمر بن خطاب در زمان خلافت خود (در سال ۱۶ هجری) درصدد برآمد که

مسجدالنبی را از طرف قبله توسعه دهد، از این رو تصمیم گرفت خانه عباس بن عبدالمطلب را که در سمت قبله مسجد واقع شده بود خریده، به همراه خانه خودش به مسجد ضمیمه نماید که عباس در آن روزها با فروش خانه‌اش موافقت نکرد. لیکن پس از مدتی خودش آن را به مسلمانان هدیه نمود و خانه او و قسمتی از خانه جعفر بن ابی طالب در توسعه، جزء مسجدالنبی شد.^{۲۸} و در این هنگام ستونهای چهارگوشه آن در کنار خانه مروان بن حکم قرار گرفت و در نتیجه، از قسمت جنوبی ۵ متر به مسجد اضافه شد که محلّ محراب به جلوتر منتقل گردید. همچنین از قسمت غربی ۵ متر و در قسمت شمالی ۱۵ متر توسعه یافت. و از آنجا که خانه همسران رسول خدا - ص - در بخش شرقی مسجدالنبی قرار گرفته بود و بعد از رحلت آن حضرت همچنان در آنجا زندگی می‌کردند، و از همه مهمتر مدفن مبارک پیامبر - ص - و از سویی قبر ابی بکر در آن قسمت در منزل عایشه واقع بود، در قسمت شرقی مسجدالنبی تغییر حاصل نشده و همچنان باقی ماند. در این مرحله از توسعه، خانه ابوبکر که در ناحیه غربی بود، در داخل مسجدالنبی قرار گرفت.

گفته شده: که حفصه دختر عمر خانه ابوبکر را - که در ضلع غربی بوده، و وی در زمان زندگیش نیازمند گشته بود - به ۴۰۰۰ درهم خرید که در دو مرحله (مقداری در زمان عمر و باقیمانده آن در زمان عثمان) ملحق به مسجدالنبی گردید.^{۲۹}

با همه این تغییر و تحول، در ساختمان مسجدالنبی تغییر زیادی حاصل نشد؛ زیرا پایه‌ها همانند سابق سنگچین و قسمت بالای دیوار با خشت خام چیده شد. ستونهای مسجد از تنه نخل خرما و سقف آن از شاخه‌های نخل بود. فقط جهت استحکام از پایه‌های بیشتری استفاده گردید. و تعداد دربهای ورودی آن به ۶ عدد رسید.

بازسازی مسجدالنبی - ص - در زمان خلافت عثمان - مرحله چهارم -

در سال ۲۴ هجری که عثمان به خلافت رسید، مردم پیشنهاد توسعه مسجدالنبی را به او دادند و در این زمینه با او صحبت کردند و از کمبود جا در مسجد شکوه نمودند. در پی آن اظهار ناراحتی‌ها، عثمان با بزرگان از اصحاب، مشورت کرد، که آنان جهت تخریب و بازسازی مسجد اتفاق نمودند، آنگاه عثمان مردم را دعوت نمود و بر فراز منبر رفت، بعد از حمد و ثنای الهی چنین اظهار نمود: «ای مردم تصمیم گرفته‌ام، مسجدالنبی را خراب کنم و آن

را توسعه دهم، شنیدم رسول خدا - ص - فرمود: هر کس مسجدی را برای خدا بسازد، خداوند - متان - در بهشت خانه‌ای برای او بنا خواهد نمود. ۳۰

«عمر بن خطاب» قبل از من این مسجد را توسعه داد، ولیکن امروز برای این جمعیت مکان بیشتری لازم است. من با خبرگان از اصحاب رسول خدا - ص - مشورت کردم، همه آنها بر خرابی و بازسازی و توسعه مسجد النبی اتفاق نمودند. ۳۱

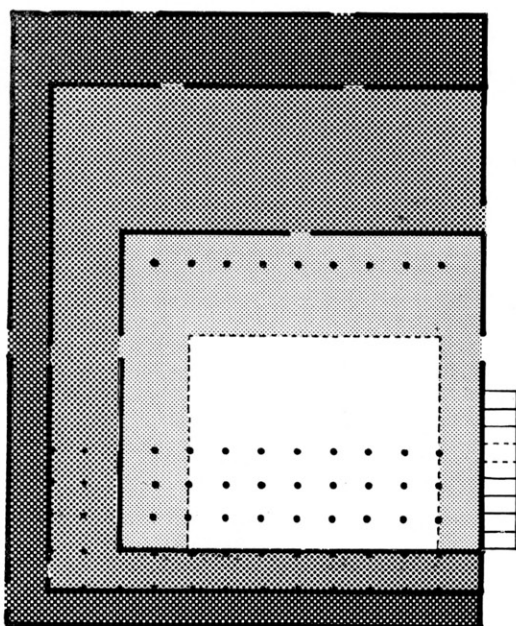
مردم سخنان عثمان را تأیید و تحسین کردند و برای او دعا نمودند. بنابراین عثمان مسجد النبی را تخریب کرده، در ضلع جنوبی و غربی، هر کدام ۵ متر اضافه نمود مانند آنچه در زمان عمر انجام گرفته بود. گرچه در ضلع شمالی، مقدار توسعه از زمان عمر کمتر شد ولیکن در مجموع نزدیک به دو برابر زمان عمر بر مساحت مسجد افزوده شد.

در این مرحله از توسعه، ساختمان مسجد النبی وضع و کیفیت بهتری پیدا کرد. زیرا در این بازسازی پایه دیوارهای مسجد را از سنگهای زیبا و حکاکی شده، با استفاده از آهک و گچ بنا نهاده و پایه‌های وسط را از سنگهای سوراخ شده قرار دادند که در داخل سوراخها آهن و سپس اطراف آن را سرب ریختند، سقف مسجد را از چوبهای مخصوصی بنام ساج پوشاندند، لذا نسبت به سابق از استحکام بهتر و بیشتری برخوردار گشت.

این بار نیز در ناحیه شرق مسجد هیچگونه تغییر و توسعه‌ای حاصل نگردید، چرا که خانه‌های همسران رسول خدا - ص - همچنان باقی بود، و بعضی از همسران آن حضرت در آنجا سکونت داشتند. که نزدیکترین این خانه‌ها، خانه عایشه بود و در اطاق او رسول خدا - ص - و ابوبکر و عمر دفن شده بودند.

توسعه و زیادی زمان عثمان تا سال ۸۷ هجری باقی ماند، که تغییر محسوسی نکرد. پس می‌توان مساحت مسجد النبی را به متر مربع در چهار مرحله به ترتیب ذکر کرد:

۱ - مرحله اولیه	- سال اول هجرت -	$35 \times 30 = 1050$
۲ - مرحله دوم	- سال هفتم هجرت -	$49/33 \times 49/33 = 2433$
۳ - مرحله سوم	- سال ۱۶ هجرت -	$65 \times 75 = 4875$
۴ - مرحله چهارم	- سال ۲۴ هجرت -	$85 \times 70 = 5950$



مراحل توسعه مسجدالنبی

تا سال ۸۷

- مرحله اول
- مرحله دوم
- مرحله سوم
- مرحله چهارم

پاورقی‌ها:

۱. دکتر محمد ابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۷۲، - آنان ۷۳ نفر مرد و ۲ نفر زن به نامهای: اُمّ عماره و اُمّ منیع، از انصار بودند - به نقل از «الطبقات الکبری»، ج ۱، ص ۲۲۱.
۲. بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۰۴، حدیث ۱.
۳. ثبئة الوداع: کوههای مشرف مدینه منوره است که در مسیر مکه واقع شده. مردم مدینه مسافران را تا آنجا مشایعت می‌کردند.
۴. ترجمه شعر: آشکار شد بر ما ماه شب چهارده از کوههای ورودی شهر، واجب است بر ما حمد و ثنای الهی، مادامی که ثناگویی دارد.
۵. کامل بن اثیر، ج ۲، ص ۱۰۷.
۶. بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۰۶ - روایتی دیگر از ابن اسحاق: رسول خدا - ص - تصمیم گرفت

داخل مدینه شود بر شتر خود سوار شد و به همراه بعضی از صحابه براه افتادند، در میان کوچه‌های مدینه به خانه هریک از انصار می‌رسید جلوی ناقه او را می‌گرفتند و می‌گفتند: ای رسول خدا! قبیله ما با آنچه به همراه دارد، در خدمت شما است به خانه ما داخل شوید و ما را مفتخر سازید. رسول خدا - ص - می‌فرمود: «جلوی ناقه را رها کنید همانا او مأور است» افسار شتر را بر روی گردنش نهادند. آمد تا در میان قبیله بنی نجار جلوی خانه «ابوایوب انصاری» و محل مسجد فعلی «مربد» زانو به زمین زد، رسول خدا پیاده شد، و این افتخار نصیب ابوایوب گردید.

سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۴۰ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۱۶.

۷. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۲۳.

۸. سوره مؤنون: ۲۱.

۹. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۴۳ - فی منزل الوحي، چاپ هفتم، دارالمعارف، ص ۴۴۹.

۱۰. اسعد بن زراره از بزرگان قبیله بنی نجار بود، او با عده‌ای دیگر از مسلمانان در آنجا نماز می‌گزارد، رسول خدا در ابتدای هجرت با آنان در اطاق کوچکی نماز اقامه می‌نمودند زیرا «ابن امّ مکتوم» که از سوی آن حضرت به مدینه آمده بود عده‌ای را با احکام اسلام آشنا نمود.

۱۱. ۱۰ دینار پرداخته شد «زادالمعاد، ابن القيم الجوزی، ج ۲، ص ۵۶».

۱۲. فی منزل الوحي، ۴۴۹.

۱۳. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۲۱۴. نهایه‌الآدب، جزء ۱۶، ص ۳۴۴.

۱۴. ترجمه شعر:

پروردگارا در مقابل خوبیهای جهان آخرت خوبی وجود ندارد - پس رحمت بفرست بر انصار و مهاجرین.

۱۵. دکتر محمد ابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۲۱۱ - وفاءالوفا باخبار دارالمصطفی، ج ۱، ص ۳۲۹. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۴۲. ابن هشام می‌گوید: از بسیاری از اهل شعر پرسیدم گفتند علی بن ابی طالب - ع - را خوانده ولیکن معلوم نیست قائل و گوینده چه کسی است؟ آن حضرت یا دیگری، ترجمه رجز:

مساوی نیست کسی که در ساختن مساجد مشارکت دارد و - در حال ایستاده و نشسته - تلاش می‌کند با کسی که سعی می‌کند غبار بر لباسش ننشیند

۱۶. در ذرع هاشمی ۴۹/۳۳ سانتی متر بوده است.

۱۷. الحاوی للفتاوی للسیوطی، ج ۲، ص ۷۶. منزل الوحي، ص ۴۵۰.

۱۸. دلائل النبوة بیهقی، ج ۱، فصل مسجدالرسول. زادالمعاد، ج ۲، ص ۵۶.

۱۹. و گفته شده یک وجب از قد یک انسان بیشتر بوده است.

۲۰. صفة: بضم «صاد» و تشدید «فاء» بر وزن ضلّة، سکوئی است بزرگ به شکل مربع مستطیل که در

- جهت شمالی مقبره رسول خدا - س - واقع شده و حدود ۳۰ سانتی متر از سطح زمین مسجد بلندتر است.
۲۱. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۵۶. تاریخ پیامبر اسلام، ص ۲۱۲.
۲۲. فی منزل الوحي، ص ۴۵۱.
۲۳. دکتر محمد ابراهیم آیتی: تاریخ پیامبر اسلام، ص ۲۱۸ - ابن اسحاق می گوید: ۱۸ ماه پس از هجرت در ماه شعبان قبله تغییر یافت. - سیره حلبی، ج ۲، ص ۲۵۷ - بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۹۹ حدیث ۲: نقل می کند: معاویه بن عمار از امام صادق - علیه السلام - سؤال کرد؟ چه زمانی رسول الله - ص - از بیت المقدس به کعبه منصرف شد. امام صادق - ع - فرمودند: «بعد از برگشت از غزوه بدر».
۲۴. بقره: ۱۴۴.
۲۵. وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفى، ج ۱، ص ۳۶۵.
۲۶. مدینه شناسی، سید محمد باقر نجفی، ص ۳۵. به نقل از اعلاق النفیسه، ص ۶۵ - ۶۴.
- متر $۴۹/۳۳ = ۱۰۰$ ذرع - مساحت مسجدالنبی، متر مربع $۴۹/۳۳ \times ۴۹/۳۳ = ۲۴۳۳$
۲۷. أخبار مدینه الرسول، ص ۹۳.
۲۸. بین عباس بن عبدالمطلب و خلیفه کشمکش زیادی شد تا اینکه در دادگاه قاضی به نفع عباس حکم نمود، آنگاه عموی پیامبر عباس آن را به مسلمین هدیه نمود و جزء مسجد شد.
- محمد حسین هیکل، فی منزل الوحي، ص ۴۵۳ - سید محمد باقر نجفی، مدینه شناسی، ج ۱ ص ۳۶ به نقل از «تاریخ ابن عساکر».
۲۹. محمد حسنین هیکل، فی منزل الوحي، ۴۵۴.
۳۰. صحیح مسلم، کتاب المساجد، باب فضل بناء المساجد و الحث علیها، حدیث ۲۴ (۵۳۳) ص ۳۷۸.
۳۱. تاریخ الرسل والملوک، ج ۵/۲۱۱۳ - ترجمه فارسی شده.

